

بررسی و تحلیل اندیشه آخر الزمانی بر اساس مبنای خداشناسی، در دو رویکرد دفعی و فرآیندی

روح‌الله شاکری زواردهی^۱

مهرداد ندرلو^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی دو «رویکرد دفعی» و «رویکرد فرآیندی» تحولات آخرالزمان در اندیشه شیعه امامیه پرداخته و مسئله هدایت بشری، در آخرالزمان، و چگونگی آغاز و تحقق جامعه توحیدی تحت هدایت امام معصوم را مورد توجه قرار داده است. از این رو، دو رویکرد عمده در تفکر آخرالزمانی شیعه شناسایی شده است: رویکرد دفعی که به وقوع ناگهانی و بدون مقدمه تحولات اعتقاد دارد و رویکرد فرآیندی که تحولات را تدریجی و با توجه به فراهم آمدن شرایط و بسترسازی می‌داند. بر همین اساس، پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تلاش کرده است مبنای خداشناسی هر یک از این دو رویکرد را بررسی کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد دفعی به قدرت مطلق الهی تکیه دارد که بدون نیاز به بسترسازی و تحقق مقدمات لازم در جامعه، تحولات را به صورت ناگهانی رقم می‌زند. در مقابل، رویکرد فرآیندی معتقد است که تحولات آخرالزمان در چارچوب نظام علی و معلولی پیش رفته و هرگونه تحول مهمی در آخرالزمان، به زمینه‌سازی و فراهم کردن مقدمات آن نیازمند است و خداوند نیز این روند را از طریق مراحل طبیعی و تدریجی هدایت می‌کند. ضرورت این بررسی آن است که شناخت مبانی هر یک از این رویکردها به درک دقیق‌تری از تاثیرات آن‌ها بر برداشت‌های مذهبی و سیاسی، به‌ویژه در بستر جمهوری اسلامی ایران که بر پایه زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه بنا شده است، کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: مبنای، آخرالزمان، رویکرد، دفعی، فرآیندی.

مقدمه

در مکتب تشیع، مفهوم آخرالزمان نه تنها به عنوان نقطه پایانی تاریخ، بلکه به مثابه دورانی الهی و سرشار از تحولات غیبی و زمینی تفسیر می‌شود که با ظهور منجی موعود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به اوج خود می‌رسد. بر همین اساس، این اندیشه در تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد و تحولات آخرالزمان به نوعی با هدف خلقت و هدایت و کمال جامعه بشری گره خورده است. لذا در این نگرش، آخرالزمان، نه به عنوان پایان جهان، بلکه به منزله دوره‌ای از تحول و تکامل جامعه انسانی به سوی عدالت و کمال الهی مطرح می‌شود و سر آغاز دوره و زندگانی جدیدی در تاریخ بشر محسوب می‌گردد.

اما سؤال مشخص آن است که این اندیشه و این عصر جدید چگونه آغاز و ایجاد خواهد شد و جامعه توحیدی آرمانی که به دست امام معصوم برای تکامل بشر در همه ابعاد شکل می‌گیرد؛ چه روندی را طی می‌کند تا بشر به هدایت و کمال نهایی برسد؟ مذهب تشیع با دو رویکرد متفاوت روبه‌رو است که با بررسی این دو رویکرد در اندیشه آخرالزمانی در شیعه امامیه، به طور عمده می‌توان دو رویکرد از منظر اندیشمندان و جریان‌های مختلف فکری عقیدتی کشف کرد: یکی از این رویکردها عبارت است از «رویکرد دفعی» و دیگری «رویکرد فرآیندی».

هر دو خوانش، هر چند بر عقیده به پایان خوش تاریخ هم داستانند؛ با توجه به این که مبانی متفاوتی درباره هدایت در آخرالزمان اتخاذ کرده‌اند، به پدید آمدن دو رویکرد متفاوت منجر شده است. از همین‌رو، این پژوهش تلاش دارد به بررسی مبنای خداشناسی اندیشه آخرالزمانی، با دو رویکرد دفعی و فرآیندی با توجه به مقوله هدایت بپردازد و به این سوال پاسخ دهد که مبنای خداشناسی رویکرد دفعی و فرآیندی در اندیشه آخرالزمانی از منظر نظریه پردازان این دو رویکرد چیست.

این بررسی به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که طرفداران هر نظریه بر چه اساسی هدایت بشری در آخرالزمان را دفعی یا فرآیندی می‌دانند. لذا با اتخاذ روشی توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل این مبنا خواهیم پرداخت تا به درک جامع‌تر از این موضوع دست یابیم. در این بررسی، تنها به یک مبنا از مبانی این دو رویکرد می‌پردازیم که شامل مبنای خداشناسی است.



ضرورت بررسی این موضوع نیز از آن جنبه است که گزینش هر یک از این دو رویکرد در مسئله آخرالزمان بر برداشت‌های ما از مسائل روزمره و نیز مستقیماً بر تفسیر مفاهیمی مانند انتظار فرج، جبر و اختیار و حتی کارکرد معجزات در دوران ظهور تأثیر می‌گذارد. و از آن جا که جمهوری اسلامی ایران، بر اساس زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی تأکید دارد، روشن شدن این بحث به شناخت رویکرد همسو و ناهمسو با نظام اسلامی در عصر غیبت کمک می‌کند.

در بررسی پیشینه بحث، گفتنی است که در زمینه مسائل آخرالزمان و مهدویت، آثار علمی و پژوهشی متعددی به صورت کتاب، مقاله، و پایان نامه به رشته تحریر درآمده است. نمونه‌ای از تالیفات مرتبط با موضوع تحقیق در مسئله دفعی و فرآیندی بودن تحولات آخرالزمانی عبارت است از: «بررسی و تحلیل حصولی یا تحصیلی بودن ظهور»، از ابوذر خوش‌سیمای ابراهیمی (۱۴۰۲) و یا «نظریه اختیاری بودن ظهور»، از علیرضا نودهی (۱۳۸۵). در جهت رویکرد دفعی نیز کتاب‌هایی با عنوان «رمز ظهور» از انتشارات منیر در ۱۳۸۹ و کتابی با عنوان «راز پنهانی و رمز پیدایی» از انتشارات نیک معارف در سال ۱۳۸۴ از محمدبنی هاشمی به چاپ رسیده است؛ اما نکته قابل توجه در این آثار آن است که بیش‌تر تمرکز آن‌ها بر دلایل این نظریات بوده و به مبانی چندان توجه نشده است. از این‌رو، نوآوری این پژوهش نسبت به آثار پیشین در این است که تلاش دارد مبانی پایه‌ای این دو رویکرد را ارائه کند که این، وجه تمایز آن با آثار قبلی است.

۱. مفهوم‌شناسی

«مفهوم‌شناسی» در تحقیقات علمی امری ضروری است و باعث روشن شدن مرزهای معنایی و دقیق‌تر شدن موضوع مورد بررسی می‌شود. بر همین اساس، برای فهم دقیق و ایجاد هماهنگی با مخاطب واژگان مبانی، آخرالزمان، دفعی و فرآیندی تبیین و تعریف می‌شود.

۱-۱. مبانی

واژه «مبانی» از لحاظ لغوی، جمع مکسر واژه «مبنا» و از ریشه «بنی» مشتق شده است. این واژه در زبان عربی به معنای بنا کردن، ساختن، اساس و بنیاد به کار می‌رود (ابن منظور، بی‌تا:



ج ۱۴، ص ۹۴؛ جوهری، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۲۲۸۶؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳، ص ۲۰۹۹ و نفیسی، ۱۳۵۵: ج ۵، ص ۳۰۳۲). در زبان انگلیسی نیز معادل‌هایی مانند «اصل زیربنایی، اساس، نقطه آغازین یا توجیه برای یک موضوع» برای آن به کار رفته است (منصورآبادی و ریاحی، ۱۳۹۱: ص ۱۱).

در تعریف اصطلاحی «مبانی»، میان پژوهشگران توافق کلی وجود ندارد و تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. برخی مبانی را به قواعدی که چرایی اعتبار و مشروعیت یک نظام حقوقی یا فکری را پاسخ می‌دهند، معنا کرده‌اند (ر.ک: حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ص ۶۴) و عده‌ای دیگر مبانی را به «چرایی یک قاعده و حکم» تعریف کرده‌اند که به رفع ابهام از یک مسئله منجر می‌شود، به نحوی که جای پرسشی باقی نمی‌گذارد (ر.ک: حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ص ۷۷). در این جستار مراد از مبانی، اصول موضوعه و باورهای بنیادینی هستند که زیربنای یک نظریه، باور یا نظام فکری را تشکیل داده و چرایی اعتبار و مشروعیت آن را توضیح می‌دهد.

۲-۱. آخرالزمان

«آخر الزمان» از نظر لغوی ترکیبی اضافی و به معنای عاقبت، سرانجام، فرجام و پایان است و به بخش پایانی دنیا اطلاق می‌گردد (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۷۶؛ نفیسی، ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۱۴ و سلیمیان، ۱۳۸۸: ص ۱۵).

اصطلاح «آخرالزمان» در فرهنگ‌های مختلف، به آخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت اشاره دارد (ر.ک: تونه‌ای، ۱۳۸۳: ص ۱۸-۲۳). در فرهنگ اسلامی، این دوره، دوران نبوت پیامبر اسلام و همچنین دوران غیبت و ظهور منجی را شامل است (همان). لذا محدوده آخرالزمان به دقت قابل اندازه‌گیری نیست و شامل گستره وسیعی از زمان بعثت تا ظهور حضرت مهدی را در بر می‌گیرد. در این نگرش، آخرالزمان به عنوان دوره‌ای خاص با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی خود شناخته می‌شود و به حوادث و تغییرات عمده‌ای که در این دوران اتفاق می‌افتد، اشاره دارد که به معنای آخرین دوره و زمان حیات بشر است.

اما آنچه از آخرالزمان در این جستار مراد است نه زمان پیامبر ﷺ و نه دوران پس از ایشان است، بلکه مراد ما از آخر الزمان، دوران ظهور حضرت و چگونگی تکامل و هدایت بشری در این



دوره است. بر همین اساس، دفعی یا فرایندی بودن در این مقاله با روایاتی که امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ناگهانی معرفی کرده‌اند، ناظر نیست تا تصور شود رویکرد فرایندی تعارض ظاهری با این روایات دارد. بدین سبب نیز در این پژوهش به این دست روایات اشاره نمی‌شود.

۱-۳. دفعی

کلمه «دفعی» از مصدر «دفع» گرفته شده که به معنای «دور کردن»، «دفع کردن» یا «از بین بردن» است. در لغت، «دفعی» به چیزی اطلاق می‌شود که به طور ناگهانی و یکباره انجام می‌شود (معین، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۶۸۵ و نفیسی، ۱۳۵۵: ج ۲، ص ۱۵۱۹). مراد ما از واژه «دفعی» از لحاظ رویدادهایی است که بدون مقدمه و به صورت ناگهانی و بدون نیاز به مراحل تدریجی انجام می‌شوند.

۱-۴. فرآیند

واژه «فرآیند» مرکب از پیشوند «فر» + «آی» + پسوند «ند» به معنای «پیش رفتن» یا «حرکت به جلو» است. در زبان فارسی، این واژه به معنای مجموعه‌ای از مراحل یا اقداماتی است که به ترتیب انجام می‌شوند تا به نتیجه‌ای خاص برسند (بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸: ص ۳۶). بنابراین، فرآیند به معنای فعالیت‌ها، مراحل یا اقداماتی است که به منظور تولید یک محصول یا ارائه نوعی خدمت به کار می‌روند. این فعالیت‌ها معمولاً به صورت متوالی و در یک ساختار سازمان یافته انجام می‌شوند. منظور ما در این جستار از اصطلاح «فرآیند» رویدادها یا فعالیت‌هایی است که به تدریج و در طول زمان رخ می‌دهند و معمولاً مرحله‌ای از تکامل و پیشرفت را طی می‌کنند تا در نهایت به هدف مطلوب بینجامند.

۲. مبنای خداشناسی دو رویکرد دفعی و فرایندی

در مبنای خداشناسی رویکرد دفعی و فرایندی در اندیشه آخرالزمانی، نحوه تعامل خداوند با جهان و هدایت انسان‌ها محور اساسی تحلیل قرار می‌گیرد. این دو رویکرد، دو تصور متفاوت از خدا و رابطه او با جهان و انسان را به تصویر می‌کشند که در ارتباط با صفات و افعال الهی است و بر چگونگی روند هدایت و نجات انسان در آخرالزمان تأثیر می‌گذارد.



۱-۲. رویکرد دفعی

رویکرد دفعی در مبانی خداشناسی، به رویکردی گفته می‌شود که خداوند را موجودی می‌داند که در زمان‌های مشخص و به صورت ناگهانی و دفعی در امور جهان دخالت می‌کند. این دخالت‌ها می‌تواند وقوع معجزات، عذاب‌ها، و هر چیز دیگری را شامل باشد. در این رویکرد، خداوند بیش‌تر به عنوان یک عامل بیرونی و مداخله‌گر دیده می‌شود که در زمان‌های بحرانی وارد عمل می‌شود و مسیر تاریخ را تغییر می‌دهد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴: ج ۲۴، ص ۴۳۶-۴۳۹).

طبق این دیدگاه، اعجاز در عصر ظهور، قاعده‌ای عام در تمام امور جهان است، و غالب رویدادها و تحولات در هستی از جمله هدایت انسان‌ها با معجزه رخ خواهد داد. طرفداران این دیدگاه از روایاتی که به عصر ظهور و تحولات آخرالزمانی مربوط می‌شود، تفسیری غیبی ارائه می‌کنند و بر این باورند که حادثه ظهور و دوران پس از آن، بیش از آن که بر علل و اسباب عادی متکی باشد، با پشتوانه آیات و معجزات الهی و علل و اسباب غیبی و ملکوتی صورت خواهد گرفت و این دوران ماهیتی غیر از دوران پیشین دارد که بر علل و اسباب عادی متکی است. لذا این مقطع از مقطعی است که خداوند با مشیت خود این دوران را ایجاد می‌کند (نصیری، ۱۳۸۰: ص ۱۷۷ و همان، ۱۳۹۸: ص ۲۳۳).

بنابراین، در رویکرد دفعی، ولایت تکوینی امامان علیهم‌السلام به عنوان جلوه‌ای از اراده الهی در تغییر ناگهانی نظام هستی نقش محوری دارد، و خداوند از طریق علم لدنی و قدرت اعجاز‌آمیز ائمه علیهم‌السلام، به ویژه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآخروجه‌الشریف، در مقاطع حساس تاریخ وارد عمل می‌شود. بر همین اساس، پیروان این نظریه در توجیه دیدگاه خود به برخی از القاب امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآخروجه‌الشریف، مانند «مبدأ الآیات» (نوری، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۵۴)؛ استناد کرده و تحولات آخرالزمانی در این دوره را نمایش اعجاز از جمیع جهات می‌دانند (نصیری، ۱۳۸۰: ص ۱۷۷).

به نظر می‌رسد، رگه‌هایی از چنین نگرشی به مسئله آخرالزمان، به عنوان یک احتمال در دوران حضور معصومان نیز مطرح بوده و برخی اعضای جامعه نیز بر این باور بودند که تغییرات مثبت و تحولات عصر ظهور به صورت معجزه‌آسا و ناگهانی رخ خواهد داد؛ به گونه‌ای که صحت این باور از امام باقر علیه‌السلام سوال می‌شود و بازتاب آن را می‌توان در کتاب الغیبه نعمانی مشاهده کرد. برای مثال، در روایتی از بشیر نبال آمده است:

به مدینه آمدم ... وقتی به مدینه رسیدم، به امام باقر علیه السلام گفتم: مردم می‌گویند اگر مهدی علیه السلام قیام کند، کارها به صورت خودبه خود و بدون ریختن حتی قطره خونی برای او سامان می‌یابد. امام علیه السلام فرمودند: «نه! سوگند به کسی که جانم در دست اوست! اگر قرار بود کارها برای کسی خودبه‌خود سامان یابد، قطعاً برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم [در جنگ احد] هنگامی که دندان پیشین آن حضرت شکست و صورتش زخمی شد، سامان می‌یافت. نه! سوگند به کسی که جانم در دست اوست [کارها سامان نمی‌یابد] تا وقتی که ما و شما [از شدت تلاش] عرق و خون [پیشانی] را پاک کنیم». سپس پیشانی خود را مسح کرد^۱ (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۴).

با وجود این، تا دهه‌های اخیر این نظریه به صورت یک چارچوب منسجم علمی ارائه نشده است، بلکه در دوره معاصر برخی محققان و اندیشمندان در تلاش‌اند تا آن را به‌عنوان یک نظریه کامل و تئوریزه شده در حوزه مطالعات آخرالزمانی مطرح کنند. بازخوانی تفکرات آن‌ها نشان می‌دهد، یکی از ریشه‌های اصلی شکل‌گیری این دیدگاه، در مباحث خداشناسی است.

۱-۲-۱. خداوند و تحول دفعی در آخرالزمان

رویکرد دفعی در مورد تحولات آخرالزمان، خداوند را تنها عامل موثر و نقش‌آفرین بر هدایت و تکامل معرفی می‌کند؛ خدایی که با دخالت مستقیم خود در امور، برای دخالت و نقش‌آفرینی انسان در وقایع فضایی باقی نمی‌گذارد. این اندیشه تأکید می‌کند که تحولات منتهی به ظهور و عصر ظهور کاملاً بر گرد اراده الهی می‌چرخد و تحقق هدایت جهانی نه به تلاش‌های محدود بشری، بلکه به مداخله غیبی الهی وابسته است (نصیری، ۱۳۸۰: ص ۱۷۷ و همان، ۱۳۹۸: ص ۲۳۳).

در همین زمینه یکی از پیروان این رویکرد بیان می‌کند، اگر فراهم شدن شرایط عادی بشری را شرط لازم ظهور ندانیم، نه تنها هیچ مشکلی پیش نمی‌آید، بلکه با دلگرمی و تلاش بیش‌تری

۱. مَوْسَى بْنِ بَكْرِ الْوَأَسْطِيِّ عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ وَذَكَرَ مِغْلَ الْحَدِيثِ الْمُتَقَدِّمِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ لَأَسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا وَ لَا يُهْرِيئُ مِحْجَمَةَ دَمٍ فَقَالَ كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم حِينَ أَدْمَيْتَ رَبَاعِيئَهُ وَ شَحَّ فِي وَجْهِهِ كَلًّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقُ وَ الْعَلَقُ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۴).

به کار و تلاش دست می‌زنیم:

و این عقیده چیزی نیست جز همین که پیروزی و قیام آن حضرت را کاری خدایی می‌دانند و معتقدند که اگر خداوند اراده فرماید، زمینه‌های غیرعادی و غیر بشری آن را چنان فراهم می‌سازد که همه نواقص بشری آن جبران گردد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۴ و همان، ۱۳۸۴: ص ۳۸۴).

چنان که مهدی نصیری نیز در دو کتاب اسلام و تجدد و کتاب عصر حیرت به دفاع از این رویکرد پرداخته بر این باور است، سنت «ابی‌الله ان یجری الاشیاء الا باسبابها» در مورد ظهور امام زمان در حد بسیار بالایی نقض خواهد شد، چنان که در زمینه معجزات انبیا و امدادهای غیبی بارها نقض شده است (نصیری، ۱۳۸۰: ص ۱۷۷).

بر همین اساس، در این رویکرد هر گونه بحث از علت و معلول، نظام احسن، تقسیم ممکنات به واجب الوجود و ممکن الوجود و مسائلی از این قبیل که در فلسفه و علوم عقلی بحث می‌شود، مردود است؛ زیرا سخن گفتن از علت و معلول، یا نظام احسن و تعلق اراده الهی در اداره جهان طبق مقتضای عالم امکانی و جهان مادی، به این معناست که خداوند را از قدرت مطلق پایین بیاوریم که هیچ تغییری در جهان را خارج از چهارچوب و اقتضای عالم مادی اراده نمی‌کند.

در این جهت یکی دیگر از باورمندان به این رویکرد، تاکید می‌کند که تمام اقوال فلاسفه و عرفا، در مبحث خداشناسی که بر این اقوال مبتنی است، به صورت سالبه کلیه باطل و مخالف قرآن و سنت است. وی تاکید می‌کند تفکراتی که تحولات جهانی را با رویکرد علی و معلولی و یا نظام احسن و مسائلی از این دست تحلیل می‌کنند، در واقع اعتقادی شبیه باورهای یهود در خداشناسی دارند که به فرموده قرآن، می‌گفتند: ﴿يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ﴾ (مائده: ۶۴) (حلبی، بی‌تا: جزوه توحید، درس سوم، ص ۹-۱). لذا وی روش خود را بر خلاف تمام مکاتب بشری از قدیم و جدید معرفی کرده و معتقد است، آنچه را او در مباحث خداشناسی ارائه می‌کند (روش معرفت وجدانی)، با روش و شیوه انبیا در بحث خداشناسی مطابق است (همان، درس اول، ص ۱-۲).

مطابق این رویکرد، از سوی طرفداران نظریه دفعی، هر گونه تلاش برای برقراری ارتباط علی و معلولی میان وقایع تاریخی و غیبت یا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، نادرست شمرده و تاکید می‌شود

که مسئله غیبت و ظهور امام زمان به طور کامل به اراده الاهی وابسته است و هرگونه تحلیل عقلی در این زمینه، از توانایی انسان فراتر است. از این رو، کسانی که تلاش کرده‌اند برای ظهور امام زمان شرایطی را مطرح کنند، به خطا رفته‌اند (ر.ک: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۲۲۴)؛ چرا که سنخ وقایع آخرالزمانی در تفکر شیعه و مسئله ظهور با سایر تحولات عادی بشری متفاوت است و این قیام‌های عادی بشری هستند که به زمینه‌سازی و طی فرایندهای علی و معلولی نیاز دارند؛ ولی تحولات عظیم آخرالزمانی که به دست حضرت مهدی رقم خواهد خورد، از آن جا که کار خدایی و الاهی است، هیچ لزومی ندارد آن فرآیندهای پیچده را طی کند و نیازمند شرایط و زمینه مناسب باشد، بلکه می‌تواند به صورت ناگهانی با ارداده خداوند تحقق یابد (ر.ک: همان، ۱۳۸۹: ص ۱۳۲؛ نصیری، ۱۳۸۰: ص ۱۷۷ و همان، ۱۳۹۸: ص ۲۳۰-۲۳۳)؛ زیرا نظام اسباب و مسببات بر سنت و عادت الله حاکم نیست و از سنت‌های الاهی نمی‌توان نظام اسباب و مسببی را منظور کرد (ر.ک: ارشادی‌نیا، ۱۳۸۶: ص ۹۷).

بنابراین، نمی‌توان سنت‌های الاهی را مطابق نظام علت و معلول تفسیر کرد تا از آن نتیجه گرفت که وقایع باید بر اساس اقتضای جهان مادی تحقق یابند و وقوع دفعی آن محال باشد، بلکه بر خلاف آن، باتوجه به قدرت مطلق الاهی، خداوند می‌تواند هر تغییری را بدون نیاز به رعایت قوانین طبیعی و سلسله مراتب علت و معلولی انجام دهد. در نتیجه، تغییرات در جهان و به‌ویژه در زمینه‌های آخرالزمانی، می‌توانند به صورت ناگهانی و دفعی رخ دهند، بدون این که به بسترسازی برای پذیرش هدایت نهایی بشر در دوره پایانی جهان نیازی باشد.

۲-۱-۲. عدم نیازمندی هدایت بشری از سوی خداوند به بسترسازی

یکی دیگر از مبانی خداشناسی در رویکرد دفعی در مقوله هدایت و خداشناسی که مصداق اتم آن بر اساس روایات وارد شده در آخرالزمان به دست امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الْكَرِيمُ تحقق خواهد یافت؛ تاکید بر عدم نیاز به بسترسازی برای تحقق این هدایت است.

از این رو، تأکید می‌شود که معرفت خداوند متعال تنها به اراده الاهی برای بشر حاصل می‌شود و رسیدن به معرفت او مشروط به هیچ شرط و مقدمه لازمی نیست (ر.ک: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ص ۱۷)؛ و تاکید می‌گردد که حتی انبیا در پدید آمدن شناخت خداوند نقشی ندارند



(حلبی، بی‌تا: ص ۲۷)؛ زیرا میدان وسیع تفضل الاهی، به لحاظ علت و یا معادات برای حصول معرفت خدا و هدایت بشر نیازی ندارد تا آن‌ها را لازمه شناخت خدا و در نتیجه هدایت او بدانیم. بر این اساس، چون خداوند قادر مطلق است، می‌تواند خود را به عاصیان معرفی و از سویی معرفت خود را از بندگان مطیع و فرمان بردار دریغ کند (همان).

به همین منظور، در این نگرش قاعده لطف که در صدد اثبات وجود مستمر امام حی است و وجود امام را از باب لطف بر خداوند لازم می‌شمارد، نفی کرده؛ تصریح می‌کنند، دلیلی بر این مطلب وجود ندارد که با استدلال به قاعده لطف، ایجاد زمینه و شرایط اجرای طاعت و ترک معصیت را بر خداوند لازم بدانیم تا ترک آن بر خلاف حکمت باشد (بنی‌هاشم، ۱۳۸۴: ص ۱۸۸)؛ چرا که اساسا در باب هدایت انسان‌ها، انسان هیچ حقی نسبت به خدا ندارد تا خداوند با جعل معصوم زمینه هدایت افراد را فراهم کند. بنابراین، نمی‌توانیم از حکیم بودن خداوند در افعالش، به لزوم جعل خلیفه بر روی زمین استدلال کنیم؛ به دلیل آن که از حکمت خلق مخلوقات اطلاعی نداریم تا بگوییم با عدم هدایت انسان‌ها، خلقتشان عبث می‌شود (همان، ص ۱۹۰).

بلکه بر اساس تفکر برخی از مدافعان این رویکرد، این عدم شناخت خداوند و هدایت نشدن انسان، به نوعی از فضل الاهی است که شامل حال انسان می‌شود تا مورد مواخذه کم‌تری قرار بگیرد و تکلیف کم‌تری متوجه او باشد (ر.ک: حلبی، بی‌تا: ص ۲۹)؛ همان طور که درباره برخی موجودات مشابه، مثل حیوانات مشاهده می‌کنیم (ر.ک: همان، ص ۴).

از این رو، هدایت انسان به وسیله خداوند نه تنها ارزش تلقی نمی‌شود، بلکه خلاف آن ارزش است و اگر خداوند معرفت خود را به انسان ارزانی نکند، نه تنها خلاف حکمت عمل نکرده، بلکه این از فضل خداست که انسان را در رتبه سایر جانداران نگه داشته است، تا عقاب ترک تکالیف دامنگیر او نشود.

شهید مطهری در تبیین این رویکرد بر این نکته تاکید می‌کند که رویکرد انفجاری (دفعی) تصویری از مهدویت و آخرالزمان ارائه می‌کند که در آن هرگونه صلاح به نقطه صفر می‌رسد و فساد یکه تازی می‌کند. تا جایی که در نهایت انفجاری که حاصل پریشان شدن است، اتفاق افتاده و دست غیب برای نجات حقیقت وارد عمل می‌شود و جامعه سامان می‌یابد. ایشان بیان

می‌کند که در این نگرش، «گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام‌جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی» که خود به خود منجر به نتیجه مطلوب می‌شود (مطهری، ۱۳۸۴). هرچند طرفداران این دیدگاه معتقد به ترویج فساد نیستند؛ منطق درونی این نگرش به طور اجتناب‌ناپذیری به چنین نتیجه‌ای منجر می‌گردد.

بدین ترتیب، با توجه به این نگاه می‌توان گفت دوران آخرالزمان که با غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی و رزقه‌الشریف همراه است؛ به سبب عدم دسترسی به امام، چون تکالیف کم‌تری متوجه مکلفان است، باید آن را در چهار چوب فضل الهی تفسیر کنیم. لذا تلاش کردن برای زمینه‌سازی برای ظهور و جامعه‌سازی به دلیل این که مخالف با اراده خداوند است و تکالیف بیش‌تری را متوجه ما می‌کند و از طرفی سبب تاخیر در ظهور می‌شود؛ نباید انجام شود و خداوند از باب فضل خود در زمان متقزی (زمانی که ترس محو کامل حقیقت وجود دارد) شرایط را فراهم می‌کند.

بنابراین، اگر قرار است در آخرالزمان هدایتی صورت بگیرد، نه به لحاظ تلاش و زمینه‌سازی انسان‌هاست، بلکه از باب تفضل وسیع اوست که انسان نه در حصول آن و نه در این که چه کسی را شامل می‌شود، هیچ نقشی ندارد. پس زمینه‌سازی پیشینی برای ظهور و هدایت افراد جامعه در آخرالزمان لازم نیست و چون فضل الهی بر سایر صفات حاکم است، تمام نقصان‌های بشر را در این زمینه مرتفع می‌کند و جامعه آرمانی به دست معصوم، در پایان جهان تحقق می‌یابد.

در مقابل این رویکرد؛ قرائتی دیگر از تحولات آخرالزمانی مطرح است که رویکرد فرایندی است و بر شکل‌گیری تدریجی هدایت در آخرالزمان تاکید دارد.

۲-۲. رویکرد فرایندی

رویکرد فرایندی، در بحث خداشناسی در موضوع آخرالزمان، تصویری که از خدا ارائه می‌کند، بر این اصل مبتنی است خداوند با استفاده از قوانین نظام آفرینش، جهان را به سوی کمال هدایت می‌کند. در این نگرش، خدا به عنوان خالق و مدبر امور هستی، با انسان در تعامل معنا داری است و به او فرصت می‌دهد تا با استفاده از عقل و اختیار خود، در مسیر کمال حرکت کند (ر.ک: عسگرلو و دیگران، ۱۴۰۳: ص ۳۶). «تعامل معنادار» در این عبارت به رابطه‌ای هدفمند و



دوسویه میان خداوند و انسان دلالت دارد که بر پایه هدایت الاهی - متجلی در وحی، عقل، و فطرت- و پاسخگویی آگاهانه انسان (از طریق عبادت، انتخاب‌های اخلاقی، و تلاش در مسیر قرب الاهی) استوار است. این تعامل، فراتر از یک کنش صرفاً مکانیکی، فرآیندی پویا و غایت‌مدار است که در بستر حکمت الاهی و بالحاظ اراده و اختیار انسان معنا و تحقق می‌یابد.

۱-۲-۲. ارتباط خداوند و انسان‌ها در تحولات آخرالزمانی

رویکرد فرآیندی، بر نقش خداوند در تحولات آخرالزمانی تاکید می‌کند و تاثیر گذاری انسان بر این تحولات را در جهت اراده الاهی تحلیل می‌کند. در این نگرش، اعتقاد به توحید ایجاب می‌کند که متوجه باشیم، توحید الاهی همچنان در تاریخ پیش می‌رود و به تدریج روز به روز آشکارتر می‌شود. این روند تا زمانی ادامه می‌یابد که شرایط کاملاً توحیدی حاکم می‌شود و در آخرالزمان موحدترین انسان حکومت می‌کند و انسان‌ها در نهایت شاهد تجلی کامل توحید در آخرالزمان خواهند بود (طاهرزاده، ۱۳۹۰: ص ۸). به تعبیر علامه طباطبایی «سیر نظام دنیوی متوجه به سوی روزی است که در آن روز، آیات خدا به تمام معنای ظهور، ظاهر می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۱۶۲).

در این نگرش، هدایت الاهی، به معنای نشان دادن هدف و راه رسیدن به آن است که خداوند از طریق اسباب و وسایل فراهم شده در عالم، این هدایت را به انسان ارائه می‌کند (همان، ج ۱، ص ۵۶). در این رویکرد سنت خداوند بر این جریان یافته که با ایجاد نظام دقیق و قوانین حاکم بر جهان، هدایت را از طریق اسباب و علل و از طریق انبیا و ائمه ارائه کند و انسان با استفاده از عقل و اختیار خود، نقش فعال و موثر بر پذیرش این هدایت ایفا کند (رک: مفید، ۱۴۱۳: ص ۱۱۵).

بر همین اساس، لزوم لطف (نصب ولیّ معصوم) از جانب خدا به عنوان فعل الاهی، برای هدایت جامعه انسانی اهمیت ویژه پیدا می‌کند. چنانکه نقش مکلفان در جریان پیدا کردن این لطف در جامعه (یعنی تصرف معصوم برای هدایت) نیز اهمیت می‌یابد و بر فراهم شدن زمینه و بسترهای ظهور منجی توسط افراد جامعه در آخرالزمان تاکید می‌گردد (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۵: ص ۴-۱۰؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ص ۳۵ و ۴۵؛ همان، ۱۴۱۳ ب: ص ۱۶۱ و همان، ۱۴۱۳ ج: ص ۱۱۷).



برای نمونه شیخ طوسی به مسئله ارتباط خداوند و انسان در موضوع ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّامِعَاتُ پرداخته است که از یک منظر توازن میان افعال الهی و مسئولیت انسانی در فرآیند ظهور را مطرح می‌کند. شیخ طوسی با استناد به مفهوم «لطف» به نقش ویژه خداوند در نصب امام اشاره می‌کند. او بر این باور است که این عمل الهی بخشی از مسئولیت خداوند در هدایت بشر است؛ چرا که انسان به تنهایی به تحقق چنین وظیفه‌ای قادر نیست (ر.ک: طوسی، پیشین، ص(۱)).

نکته مهم در این تحلیل، تعامل دوگانه میان خداوند و انسان است؛ یعنی نصب امام توسط خداوند لطف الهی است؛ اما این به تنهایی برای تحقق ظهور و هدایت جامعه بشری در آخرالزمان، کافی نیست. در این نگرش، مسئولیت انسان‌ها نیز برجسته می‌شود و وظیفه آن‌ها ایجاد شرایط مناسب برای ظهور و هدایت‌پذیری است. از این رو، بر خلاف رویکرد دفعی که همه چیز را صرفاً به اراده الهی و بدون توجه به دخالت انسان نسبت می‌دهد، شیخ طوسی بر نقش انسان در فرآیند ظهور تأکید دارد. این تحلیل نشان دهنده ترکیبی از اراده الهی و اختیار انسانی است، که در آن هر دو عامل برای تحقق ظهور و تکمیل پازل هدایت بشر لازم تلقی می‌شوند: نصب امام لطف الهی است، اما تحقق ظهور به همکاری و تلاش انسان‌ها برای آماده‌سازی شرایط وابسته است.

علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان بر این نکته اشاره کرده و در ذیل تفسیر آیات ۳۲ و ۳۳ سوره توبه^۱، تأکید می‌کنند که این دو آیه بر این حقیقت دلالت دارند که در کنار اراده الهی برای نشر دین حق در جهان، نقش انسان نیز موثر است و برای رسیدن به این خواست حق تعالی باید تلاش و کوشش کرد. ایشان در این مقام با بیان تلاش اهل کتاب برای خاموش کردن نور الهی با دهان‌هایشان، نتیجه می‌گیرند که مومنان نیز نباید در راه رسیدن به این هدف والا سستی کنند و باید همواره برای رسیدن به آن تلاش ورزند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۹، ص ۲۴۷).

۱. «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبه: ۲۳ و ۳۳).



لذا به نظر می‌رسد تلقی علامه طباطبایی و سایر طرفداران این اندیشه، تمایل به پذیرش اراده تشریحی خداوند در تحقق تحولات آخر الزمانی است؛ به این معنا که آنچه از اسباب و وسایل برای این امر بوده از انشای حکم و ابلاغ آن، انجام گرفته و رسیدن به آن جامعه آرمانی بر عهده مکلفان نهاده شده است. به عبارت دیگر، ایشان مفاد این آیات را تکلیف همیشگی مومنان، برای تحقق بخشیدن به سنت حق تعالی تلقی می‌کنند (نجار زادگان، ۱۴۰۲: ص ۴۹).

مطابق این دیدگاه، رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای، بر تلاش همه جانبه برای تحقق انقلاب بزرگ و تاریخی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه در جهت برقراری عدل و جامعه الهی و تحقق کمال نهایی با نقش آفرینی مومنان و لزوم حضور اعضای جامعه برای تحقق این هدف نهایی تاکید می‌کند (سروستانی، و...، ۱۳۹۸: ص ۶۵۲)؛ بر خلاف طرفداران رویکرد دفعی که به پذیرش اراده تکوینی خداوند در این زمینه تمایل دارند، و نقش آفرینی انسان را در آن در کم‌ترین حد خود تعریف می‌کنند.

بر همین اساس، از این منظر تردیدی نیست که تحولات تاریخی در آخرالزمان و تکامل بشر باید براساس و مبنای خالقیت و ربوبیت خداوند تفسیر شود که بر اساس برنامه دقیق و هدفمند پیش می‌رود؛ اما در کنار این اصل، نقش اراده انسانی نیز پذیرفته می‌شود. در حقیقت در این نگرش سخن از ارتباط وثیق بین ربوبیت و اراده تکوینی الهی در مدیریت عالم، به عنوان محور اصلی تحولات و اراده انسانی، به عنوان یکی از عوامل فرعی در طول اراده خداوند است. بنابراین، این گونه نیست که آینده به طور کامل و به صورت از پیش تعیین شده بر انسان‌ها تحمیل گردد، بلکه تحولات آخرالزمانی در یک فرایند قانون‌مند متأثر از اراده‌های انسانی ایجاد می‌شود.

۲-۲-۲. تأکید بر سنت‌های الهی در فرایند شکل‌گیری تحولات

یکی دیگر از مواردی که در رویکرد فرایندی برای تحلیل تحولات آخر الزمانی مورد توجه است، تأکید بر سنت‌های الهی در فرایند تحولات اجتماعی است. بر این اساس، در رویکرد فرآیندی مبتنی بر خداشناسی، سنت‌های الهی به عنوان الگوهای ثابت و تکرارشونده در جریان تاریخ و تحولات بشری تلقی می‌شوند. این سنت‌ها که در ذات و صفات الهی ریشه دارند، به عنوان

راهنمایی برای فهم و تفسیر رویدادهای بزرگ تاریخی، به ویژه تحولات آخرالزمانی، مورد توجه قرار می‌گیرند؛ الگوهای ثابت و تکرارشونده‌ای که در ابعاد مختلف هستی، از جمله خلقت، تاریخ و روابط انسان با خدا، مشاهده می‌شود و سنت‌هایی که همان قوانین ثابت جهان هستی در عرصه تکوین و تشریح است که هرگز دچار تغییر و دگرگونی نمی‌شود^۱ (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۹). به عبارت دیگر، سنت‌های الهی، «ضوابطی هستند که در افعال الهی وجود دارد» یا «روش‌هایی‌اند که خدای متعال امور عالم و آدم را برپایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۴۶۹).

از این رو، تاکید می‌شود که بر اساس این سنت‌ها راه رسیدن به هر گونه کمال و سعادت و حل شدن مشکلات، در سایه تلاش افراد و نقش آفرینی آن‌ها ایجاد می‌شود و نه صرفاً سپردن کارها به خدا و دست روی دست گذاشتن (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۱۰) و وعده پیروزی و یاری الهی نیز به کسانی که با استقامت و پایداری در این مسیر قدم برمی‌دارند، داده شده است و راه رسیدن به کمال در گروه نقش آفرینی خود انسان‌ها است (ر.ک: همان، ۱۳۹۷: ص ۳۰۰).

همانگ با این دیدگاه، امام خمینی، در وصیت نامه خویش بیان می‌کنند، اگر تصور می‌کنید که همه امور یک شبه بر اساس اسلام و احکام الهی دگرگون خواهد شد، در اشتباه هستید؛ چرا که در طول تاریخ چنین اتفاقی رخ نداده است و نخواهد داد؛ حتی زمانی که منجی کل ظهور کند، انتظار نداشته باشید که تحولی ناگهانی و معجزه‌آسا رخ دهد، بلکه اصلاح جهان با تلاش و ایثار صورت می‌گیرد و ستمگران به تدریج سرکوب و منزوی خواهند شد (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۴۴۷ و همان، ۱۳۸۷: ص ۸۶).

شهید محمد باقر صدر نیز در تحلیل چرایی طولانی شدن زمان غیبت، علت آن را ساختارهای جامعه در پذیرش این امر معرفی و بیان می‌کند که موفقیت هر کاری به سلسله شرایط خارجی بستگی دارد و تا زمانی که این شرایط کاملاً تحقق نیابد، امکان رسیدن به هدف نیز وجود

۱. «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳).

نخواهد داشت. وی با پذیرش سرچشمه الهی داشتن مسئله ظهور و تحول اجتماعی در آخر الزمان، تاکید می‌کند که تغییرات اجتماعی که سرچشمه‌ای الهی دارد، از نظر پیام، ربطی به عوامل خارجی ندارد؛ زیرا پیامی که زیربنای این تغییرات است، الهی و آسمانی است و شرایط خارجی در آن مؤثر نیست؛ ولی از جنبه اجرایی به شرایط بیرونی متکی است و موفقیت و زمان انجام آن به این نکته بستگی دارد. درست به همین دلیل بوده است که آسمان در انتظار ماند تا پنج قرن از جاهلیت بگذرد و آن وقت آخرین پیام خود را به واسطه حضرت محمد ﷺ، فرستاد؛ و با آن که جهان در دوران فترت به پیامبر نیاز شدید داشت؛ به خاطر وابستگی اجرایی به شرایط خارجی در آن تأخیر شد و این سنت تغییر ناپذیر الهی در اجرای تغییرات اصلاحی است (صدر، ۱۳۸۵: ص ۱۰۵-۱۰۷).

ایشان بر این نکته تاکید می‌کند که خدای بزرگ، توانایی دارد همه مشکلات و همه سختی‌ها را برای پیام‌رسان‌های آسمانی، هموار و به وسیله اعجاز فضای مناسب ایجاد کند؛ اما این روش را انتخاب نکرده است؛ زیرا امتحان و ابتلا و رنجی که مایه تکامل انسان می‌شود، در صورتی تحقق می‌یابد که تحولات، طبیعی و با شرایط خارجی مطابق باشد. البته این مانع نیست که خداوند در برخی جزئیات دخالت کند، جزئیاتی که بر اصل فضای مناسب مؤثر نیست؛ ولی گاهی برای ایجاد تحرك لازم است؛ مانند کمک‌ها و توجهات غیبی که خداوند در لحظه‌های حساس و بسیار دشوار به اولیای خود می‌کند؛ چنانکه آتش نمرود برای ابراهیم گلستان می‌شود (همان، ص ۱۰۷).

بر همین اساس، این دیدگاه تلاش دارد مسئله تحولات آخرالزمان را براساس سنت‌های الهی در تاریخ و تحولات اجتماعی عمیق تحلیل و تبیین کند، و سنت‌های الهی را به عنوان پل ارتباطی میان انسان و خدا معرفی می‌کند که با مطالعه و شناخت این سنت‌ها، انسان می‌تواند به شناخت عمیق‌تر از ذات و صفات الهی دست یابد و به این ترتیب، به فهم دقیق‌تری از جایگاه خود در جهان و هدف از خلقت دست پیدا کند؛ بر خلاف رویکرد دفعی که اراده الهی را جبران کننده تمام عوامل خارجی و انسانی در تحولات آخر الزمان معرفی می‌کند و معتقد است اگر خداوند اراده فرماید، زمینه‌های غیرعادی و غیربشری آن را چنان فراهم می‌سازد که همه نواقص بشری آن جبران می‌گردد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۴).

بنابراین، رویکرد فرایندی در تحلیل تحولات آخرالزمانی بر تعامل میان اراده الهی و اختیار انسانی تأکید دارد و با توجه به سنت‌های الهی به عنوان قوانین ثابت حاکم بر جهان، تحولات را در مسیری قانونمند و هدفمند تفسیر می‌کند. در این نگرش، خداوند از طریق نظام‌های آفرینش و اسباب طبیعی و تشریعی، هدایت انسان‌ها را فراهم می‌سازد و انسان‌ها نیز با بهره‌گیری از عقل و اختیار، مسئولیت آماده‌سازی اوضاع را برای تحقق تحولات آرمانی را بر عهده دارند. این دیدگاه، برخلاف رویکرد دفعی که بر اراده تکوینی خداوند و عدم تأثیر عوامل انسانی تأکید دارد، نقش فعال انسان را در تکامل تاریخی و تحولات اجتماعی برجسته می‌کند. از منظر فرایندی، تحقق جامعه توحیدی و ظهور منجی بر پایه همکاری میان لطف الهی و تلاش انسانی امکان‌پذیر است و تأخیر در این فرایند به میزان آمادگی ساختارهای اجتماعی و پذیرش اراده الهی از سوی انسان‌ها وابسته است. بر این اساس، سنت‌های الهی به مثابه راهنمایی برای فهم تحولات تاریخی و اجتماعی، پل ارتباطی میان انسان و خدا تلقی می‌شوند که با شناخت آن‌ها، انسان به درک دقیق‌تری از نقش خود در تحقق اهداف الهی دست می‌یابد.

۳. روش‌شناسی دو رویکرد دفعی و فرایندی

آنچه موجب شکل‌گیری دو رویکرد متفاوت در اندیشه آخرالزمانی تشیع شده است؛ یکی مبتنی بر دفعی بودن تحولات آخرالزمان و دیگری مبتنی بر فرایندی و تدریجی بودن آن - نوع روش اتخاذ شده - توسط طرفداران این دو دیدگاه است. به عبارت دیگر، رویکردهای دفعی و فرایندی در تحلیل و تفسیر مسائل آخرالزمان از دو شیوه و روش متمایز بهره گرفته و هر یک از زاویه‌ای خاص به بررسی این موضوع پرداخته است. این تفاوت روشی سبب شده تا هریک بر جنبه‌های مختلفی از تحولات آخرالزمانی تأکید ورزد و در نتیجه دو نگاه متفاوت را پدید آورد که عبارت است از:

۳-۱. روش رویکرد دفعی در تحلیل اندیشه آخرالزمانی

روش رویکرد دفعی در تحلیل مسائل آخرالزمانی، رویکردی است که بر نص‌گرایی محض



استوار شده و به تفسیر تحت اللفظی متون دینی، به ویژه متون مقدس، تاکید می‌ورزد. این رویکرد با اعطای اولویت به نصوص، جایگاه چندانی برای تفکر و تعقل مستقل قائل نیست و کسب معرفت را در کسب معرفتی دینی منحصر می‌داند^۱ (ر.ک: حلبی، بی‌تا: جزوه معارف اهل البیت علیهم‌السلام مبحث توحید، درس اول، ص ۳؛ و نیز: ارشادی نیا، ۱۳۸۶: ص ۳۵).

در روش معرفتی این رویکرد، عقل بشری نه تنها راه‌گشا نیست، بلکه به عنوان عنصری مضر در فهم دین تلقی می‌شود که می‌تواند موجب انهدام دین و لغویت بعثت انبیا گردد (همان، ر.ک: همان، ص ۴۰، به نقل از التوحید و العدل، شیخ محمود حلبی، ص ۴؛ و نیز ر.ک: حلبی، بی‌تا: درس سوم، ص ۷). لذا علوم به دو دسته بشری و الهی؛ تقسیم و کسب هر گونه معرفتی، به غیر طریق نقل، در حکم انکار معصومان علیهم‌السلام تلقی می‌شود (ر.ک: جمعی از شاگردان، بی‌تا: ص ۳۰). هرچند معرفت بخشی عقل در این رویکرد به عنوان یکی از ابزارهای معرفت، به کلی نفی نمی‌شود؛ جایگاه عقل به درک مستقیم حقایق خارجی محدود گشته و عقل راستین، به ماهیتی نوری و مجرد که از انسان مستقل است و به ذات خود قائم می‌باشد، تعریف می‌شود. این عقل به عنوان موجودی خارجی، بر انسان اثر می‌گذارد؛ ولی در محدوده وجودی نفس انسان قرار نمی‌گیرد (اصفهانی، ۱۳۸۷: ص ۲۶۷).

برهمن اساس، این رویکرد با تقسیم علم به الهی و بشری، و دسته بندی عقل به بشری و افاضی، در نهایت به کنار گذاشتن گزاره‌های فلسفی و علوم عقلی منجر شده و کسب معرفت بر ظاهر آیات و روایات و با استناد به عقل نوری محدود می‌گردد (ر.ک: یزدانی، و کریمی لاسکی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۲-۱۱۳).

به همین دلیل، رویکرد دفعی، با گرایش به اخباری‌گری و ادعای درک انحصاری از متون دینی (حلبی، همان، مقدمه، ص ۳)؛ به دنبال ارائه راه حل‌هایی است که بر روایات مبتنی باشد

۱. شیخ محمود حلبی در جزوه معارف اهل بیت مبحث توحید می‌گوید: «روش ما در این مباحث بر خلاف مسلک تمام مکتب‌های بشری است؛ چه مکاتب قدیمه و چه مکاتب جدیده. بشر که بحث می‌کند روی قوار فکری خودش از نظر حس، وهم، خیال و عقل بحث می‌کند. ... ما چون تابع انبیا هستیم و می‌خواهیم راه انبیا را بییمائیم. لذا از روش‌های صناعی بشری برای شناخت حقایق پیروی نمی‌کنیم (حلبی، جزوه معارف اهل بیت (توحید)، درس اول، ص ۳).

و تعقل در زمینه مسائل آخرالزمانی را گمراه کننده پنداشته و به سمت ارائه اندیشه آخرالزمانی بر اساس اعجاز و دخالت مستقیم خداوند سوق می‌یابد و نقش انسان‌ها در هدایت و تکامل جامعه بشری را به کم‌ترین حد خود تقلیل می‌دهد. بر همین اساس، طرفداران رویکرد دفعی، معتقدند که راه‌حل‌های الهی به شکل ناگهانی و فوری در آخرالزمان ارائه خواهند شد، بدون این که به فرآیندهای پیچیده یا تحولات تدریجی و فراهم کردن سازکارهای بشری برای تحقق جامعه آرمانی آخرالزمان نیازی باشد (ر.ک: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۶).

۲-۳. روش رویکرد فرآیندی در تحلیل اندیشه آخرالزمانی

روش رویکرد فرآیندی در تحلیل اندیشه آخرالزمانی، در مقابل رویکرد دفعی که بر نص‌گرایی صرف (روایات) مبتنی است، از روشی ترکیبی بهره می‌برد. این رویکرد، ضمن استناد به متون دینی همچون قرآن و روایات، از ابزارهای معرفتی عقلی و علمی، نظیر فلسفه، علوم اجتماعی و تحلیل‌های تاریخی بهره می‌گیرد. بدین ترتیب، تلاش می‌شود با تلفیق داده‌های نقلی و عقلانی، به درک عمیق‌تری از فرایندهای تاریخی و اجتماعی منجر به ظهور و تحولات پس از آن دست یافت. این رویکرد، با پرهیز از تفسیرهای صرفاً متکی بر روایات، تلاش می‌کند تصویری جامع و همه‌جانبه از تحولات آخرالزمان ارائه کند که به نوعی هم با متون دینی و هم با یافته‌های علمی و منطقی سازگاری داشته باشد.

در همین زمینه شهید مطهری، بر این امر تصریح دارد که اندیشه مهدویت و این آرمان بزرگ، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان بینی اسلامی است؛ برخی فرهنگی و تربیتی است؛ برخی سیاسی است؛ برخی اقتصادی است؛ برخی اجتماعی است و برخی انسانی یا انسانی-طبیعی است (مطهری، ۱۳۸۴: ج ۲۴، ص ۴۳۴). لذا ایشان قیام حضرت مهدی را حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق با باطل می‌داند که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود (همان، ص ۴۳۸).

شهید مطهری با تأکید بر این نکته که اندیشه مهدویت، ارکان و عناصر گوناگونی از جمله فلسفی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را شامل است؛ بر پویایی و گستردگی این ایده در تمامی ابعاد زندگی انسانی تصریح دارد و از نص‌گرایی صرف فاصله گرفته و با دیدی جامع به



تحلیل این اندیشه می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه، قیام حضرت مهدی نه رویدادی ایستا و انفجاری، بلکه حلقه‌ای از زنجیره طولانی مبارزه حق علیه باطل است که در بستر تاریخ تکامل می‌یابد. این دیدگاه فرآیندی، مهدویت را از صرف وعده‌های آخرالزمانی به مفهومی پویا و مؤثر بر زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبدیل می‌کند. بدین ترتیب، آرمان مهدویت نه تنها بر آینده موعود متمرکز است، بلکه در مسیر آماده‌سازی و تربیت جامعه برای این واقعه عظیم نیز تأثیر می‌گذارد.

نمونه دیگر شهید محمد باقر صدر است که در کتاب «بحث حول المهدی» در تبیین اندیشه مهدویت تلاش می‌کند تا با رویکردی جامع و همه جانبه تصویر روشنی از مهدویت و تحولات عصر ظهور ارائه کند و پاسخ‌های علمی و منطقی به سوالات مطرح شده در این زمینه ارائه کند. شهید محمدباقر صدر در این کتاب، با بهره‌گیری از روش تحلیلی-عقلی و استناد به مبانی قرآنی و روایی، به تبیین اندیشه مهدویت پرداخته است. او این اندیشه را نه تنها به عنوان باوری دینی، بلکه به مثابه نظام فکری جامع مورد بررسی قرار می‌دهد که در جهان بینی توحیدی ریشه دارد. صدر از یک سو با طرح استدلال‌های عقلی به ضرورت وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در نظام خلقت و استمرار ولایت الهی می‌پردازد و از سوی دیگر، با تأکید بر نقش تاریخی و اجتماعی مهدویت، آن را به عنوان محور تکامل بشر و تحقق عدالت جهانی معرفی می‌کند (ر.ک: صدر، ۱۳۸۵: ص ۵۳-۱۱۵).

بنابراین، رویکرد فرآیندی در تحلیل اندیشه مهدویت، با تأکید بر ترکیب متون دینی و ابزارهای عقلانی و علمی، تلاش می‌کند تصویری پویا و چندبُعدی از این باور ارائه کند. در این رویکرد، برخلاف نص‌گرایی صرف، مهدویت به عنوان یک نظام جامع فکری و تمدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در آن، تمامی ابعاد فردی، اجتماعی، تاریخی و جهانی نقش‌آفرین هستند. در این رویکرد، اندیشه مهدویت فراتر از یک واقعه ناگهانی و محدود به عصر ظهور، به صورت مسیری تدریجی و مداوم مورد تحلیل قرار می‌گیرد و ابعاد گوناگون مهدویت با تأکید بر مبارزه تاریخی حق و باطل، و با بهره‌گیری از تحلیل‌های عقلی، نقلی و اجتماعی در کنار متون دینی، تصویری جامع به دست می‌دهد که به درک عمیق‌تر از فرایند ظهور و نقش آن در تحقق عدالت جهانی کمک می‌کند. این نگرش فرآیندی، مهدویت را نه تنها آرمانی آخرالزمانی، بلکه

عاملی برای آماده‌سازی و حرکت تمدنی جامعه اسلامی معرفی می‌کند.



نتیجه گیری

اندیشه آخرالزمان و تحولات مربوط به ظهور منجی در مذهب تشیع جایگاهی ویژه دارد و به دو رویکرد دفعی و فرآیندی تقسیم می‌شود. این دو رویکرد، هرچند در اصل اعتقاد به عدالت جهانی و پایان خوش تاریخ مشترک هستند؛ اما در مسیر تحقق آن، تفاوت‌هایی اساسی دارند. ویژگی اصلی رویکرد دفعی آن است که تغییرات را ناگهانی و هدایت پذیری جامعه را به صرف اراده الهی می‌داند. در این دیدگاه، دگرگونی‌های پیش از ظهور و پس از آن و تلاش‌ها برای بسترسازی برای هدایت انسان‌ها بی فایده است؛ زیرا هدایت در این عصر بر اساس نمایش اعجاز خداوند تبیین و تحلیل می‌شود که انسان‌ها در این تغییرات کم‌ترین نقش را دارند. به عبارت دیگر، جامعه آرمانی موعود و هدایت بشر به صورت اعجاز‌آمیز و به یکباره اتفاق می‌افتد و چیزی فراتر از عالم اسباب و مسببات است.

در مقابل، رویکرد فرآیندی تحولات آخر الزمانی و همچنین هدایت پذیری بشر را بر اساس نظام اسباب و مسببات می‌داند، نه به صورت معجزه‌آسا و بدون دخالت و اراده انسان‌ها. رویکرد فرآیندی به روند تدریجی و طبیعی اعتقاد دارد که به بسترسازی و آمادگی اجتماعی و انسانی برای ظهور منجی نیاز دارد و تعامل و ارتباط معنا داری بین خداوند و مخلوقات به تصویر می‌کشد که در آن، خداوند نه صرفاً نظاره گر محض است و نه به جبر کارها را پیش می‌برد، بلکه در حیطه زندگی انسان‌ها خداوند در مقابل رفتارهای آن‌ها واکنش مناسب نشان می‌دهد. لذا تفاوت اصلی این دو رویکرد، در میزان تأکید بر دخالت مستقیم و ناگهانی خدا در مقابل تأکید بر تدبیر و هدایت تدریجی او در طول تاریخ است.

ریشه این اختلاف دیدگاه نیز، در نوع روش آن‌ها در تجزیه و تحلیل مسائل آخر الزمانی است که در رویکرد دفعی مبتنی بر نص‌گرایی و اخباری‌گری و دوری از تحلیل‌های عقلانی است؛ اما در نگرش فرآیندی، با استفاده از ترکیبی از روش‌های معرفتی تلاش می‌شود تا همه ابعاد این اندیشه مورد تحلیل قرار بگیرد و پاسخ‌های متناسب با عقل و نقل و سازگار با یافته‌های علمی ارائه شود.



منابع

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، نشر دار صادر.
۲. ارشادی نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). *از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک نقد و بررسی مبانی فکری مدرسه معارف خراسان انجمن حجتیه و تفکیک گرایان*، قم، نشر بوستان کتاب.
۳. اصفهانی، میرزا مهدی (۱۳۸۷). *ابواب الهدی*، محقق: مفید، حسین، تهران، نشر منیر.
۴. بنیاد فرهنگ و اندیشه اسلامی (بی تا). *فرایند تحقق اهداف اسلامی دفتر اول کتب انقلاب اسلامی*، بی جا، بی نا.
۵. بنی هاشمی، محمد (۱۳۸۸). *کتاب توحید دفتر چهارم: معرفت بلائیه و بدون الآیه خداوند*، تهران، نشر منیر.
۶. _____ (۱۳۸۴). *رازپنهانی و رمز پیدایی*، تهران، نشر نیک معارف.
۷. _____ (۱۳۸۹). *رمز ظهور سلسله درس های مهدویت*، تهران، نشر منیر.
۸. تولایی، شیخ محمود (حلبی) (۱۳۴۸). *تقریرات*، مشهد، مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۹. _____ (بی تا). *جزوه معارف اهل بیت علیهم السلام دروس توحید*، بی جا، بی نا.
۱۰. تونه ای، مجتبی (۱۳۸۳). *فرهنگ الفبایی مهدویت پیرامون حضرت مهدی*، قم، نشر مشهور.
۱۱. الجوهری الفارابی، ابو نصر اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *المصاحح تاج اللغة و صحاح العربیه*، محقق: عطار، احمد عبد الغفور، بیروت، نشر دار العلم اللملاییین.
۱۲. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۸). *جبران خسارت بزهدیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی*، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶). *مبانی مالکیت فکری*، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. خامنه ای، علی (۱۳۹۸). *بیان قرآن: تفسیر سوره براءت*، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم افزاری.
۱۵. _____ (۱۳۹۷). *روشنای آینده*، محقق: دهلوی، موسی، تهران، دفتر حفظ و



- نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم افزاری.
۱۶. _____ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز میلاد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۲۱.
۱۷. خمینی، روح الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، تهران، نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. _____ (۱۳۸۷). *وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)*، تهران، نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، موسسه چاپ و نشر عروج.
۱۹. خوش‌سیمای ابراهیمی، ابوذر (۱۴۰۲). *بررسی و تحلیل حصولی و یا تحصیلی بودن ظهور*، قم، نشر لقاء.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *فرهنگ دهخدا*، تهران، نشر دانشگاه تهران.
۲۱. سروستانی، ابراهیم، و سید علی احمدی (۱۳۹۸). *مهدویت، در مجموعه مقالات، مقالاتی از اندیشه نامه انقلاب اسلامی*، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم افزاری.
۲۲. سلیمیان، خدا مراد (۱۳۸۸). *فرهنگنامه مهدویت*، قم، نشر بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۲۳. صدر، محمدباقر (۱۳۸۵). *رهبری بر فراز قرون*، مترجم: شفیعی، مصطفی، تهران، نشر موعود عصر.
۲۴. طاهر زاده، اصغر (۱۳۹۰). *آخرالزمان؛ شرایط ظهور باطنی ترین بعد هستی*، اصفهان، نشر لب المیزان.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی التفسیر فی القرآن*، مترجم: موسوی، محمدباقر، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵). *الغیبه*، مصحح: طهرانی، عباد الله، ناصح، علی احمد، قم، نشر مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۷. عسگرلو، حسین؛ اکبری، رضا و رسولی پور، رسول (فروردین ۱۴۰۳). «*حضور قیومی خدا در جهان از منظر ابن سینا*»، نشریه فلسفه دین، دوره ۲۱، شماره ۱.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، نشر مؤسسه آموزشی

و پژوهشی امام خمینی.

۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). **مجموعه آثار**، تهران، نشر صدرا.

۳۰. معین، محمد (۱۳۸۱). **فرهنگ معین**، تهران، نشر کتاب راه نو.

۳۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). **الفصول العشره فی الغیبه**، محقق، تبریزیان، فارس، قم، نشر دار المفید.

۳۲. _____ (۱۴۱۳ ق الف). **النکت الاعتقادیه**، محقق: میرشریفی، علی، مختاری، رضا، قم، نشر دار المفید.

۳۳. _____ (۱۴۱۳ ق ب). **اوائیل المقالات**، محقق: انصاری زنجانی، ابراهیم، قم، نشر دار المفید.

۳۴. منصورآبادی، عباس، ریاحی، جواد (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «**فهوم «شناسی مبانی» در پژوهش‌های حقوقی**»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۲.

۳۵. نجارزادگان، فتح الله (۱۴۰۲). **بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف** در دیدگاه فریقین، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). **الغیبه نعمانی**، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.

۳۷. نفیسی، علی اکبر (بی تا). **فرهنگ نفیسی**، بی جا، نشر کتاب فروشی خیام.

۳۸. نودهی، علیرضا (۱۳۸۵). **نظریه اختیاری بودن ظهور**، تهران، نشر موعود عصر.

۳۹. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۸۴). **نجم الثاقب در احوال امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف**، محقق: برزگر، صادق، قم، نشر جمکران.

۴۰. نصیری، مهدی (۱۳۸۰). **اسلام و تجدد**، تهران، نشر کتاب صبح.

۴۱. _____ (۱۳۹۸). **عصر حیرت** (جستاری کالمی پیرامون حکمرانی فقهی و تمدن سازی اسلامی در عصر غیبت و سیطره مدرنیته)، تهران، نشر مکتبه الصدیقه الشهبیده.

۴۲. یزدانی، عباس، کریمی لاسکی، محمد (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «**تحلیل انتقادی دیدگاه مکتب تفکیک در مورد رهیافت عقل‌گرایانه فلسفی به دین**»، مجله ادیان و عرفان، سال

۴۶، شماره ۱.

